

دکتر احمد مستوفی، نامی ماندگار در جغرافیای ایران

مهندس محمد بورکمال

از سالهای پیش از ۱۳۳۰ شمسی با نام دکتر احمد مستوفی غیباً آشنا بودم؛ چون برای مدتی سرپرستی کوی جدیدالتأسیس دانشگاه تهران را برعهده داشت. اما آشنائی مستقیم ما از سالهای ۳۶-۱۳۳۵ به بعد و از زمانی بود که ایشان یک کارتوگراف نقشه کش از سازمان نقشه برداری کشور و از کارکنان اینجانب خواستند تا به صورت مأمور در مؤسسه جغرافیای جدیدالتأسیس و «مرکز تحقیقات علمی مناطق خشک» دانشگاه تهران کار کند که این مأمور معرفی شد.

اما اولین دیدار مستقیم ما در یک اطاق واقع در ساختمان جدید و موقت دبیرخانه دانشگاه که در آن زمان به مؤسسه و مرکز تحقیقات واگذار شده بود، اتفاق افتاد. دکتر مستوفی علاقه داشت که شخصاً روی عکس‌های هوائی (حوضه مسیله) کار کند و مشغول تهیه یک فتوموزائیک بود (اصطلاحاً فتوموزائیک کنترل نشده). در آن دیدار، بعد از حال و احوال‌پرسی مقدماتی و تشکر از مأموری که فرستاده شده بود، اظهار داشت که: «موزائیک خوب و دقیق (پوآن) می‌خواهم؛ زیرا ما نقطه کنترل با مختصات نداریم تا فتوموزائیک‌هائی به خوبی شما (در سازمان نقشه‌برداری کشور) تهیه کنیم».

طولی نکشید که مؤسسه جغرافیا به ساختمانی که تعلق به دانشکده دامپزشکی در خیابان فلسطین (کاخ شمالی) داشت، منتقل گردید و نگارنده نیز در ساعت‌های غیر اداری (بعد از ظهرها) فعالانه در این مؤسسه و گروه جغرافیا همکاری داشتم که خود شرحی مفصل دارد و چون این مختصر منحصرأ مربوط به احمد مستوفی خدمتگزار دانش جغرافیای سده اخیر در ایران است، لذا از آن صرف‌نظر می‌کنم؛ ضمن آنکه جای

تعجب دارد که چرا درباره این مرد کم گفته‌اند و کم نوشته‌اند؟

یک نظریه مشترک و معروف درباره دکتر احمد مستوفی این بوده و هست که ایشان در محیط کار چه با همکاران و زیردستان و چه با دانشجویان، بسیار سخت‌گیر بوده و برخوردی خشک داشته و همین تلخی ظاهری^(۱) در طول زمان و پس از فراغت از تحصیل دانشجویان تبدیل به دعاگوئی برای ایشان می‌شده و برای اغلب آنها شیرینی‌ها و موفقیت‌هایی را بیار می‌آورده است.

اما در حقیقت آنچه ورای این چهره سخت‌کوش و جدی پنهان بود، دنیای دیگری بود که اینجانب چون افتخار نشست و برخاست کاری نزدیکی در ساعات بعدازظهر و عصر با ایشان داشتم، خیلی زود به این دنیای آرام و زیبای درون وی پی بردم. او همه همکاران و دانشجویان خود را بسیار دوست می‌داشت و توانست نه تنها میراث زحمات جغرافیدانان معاصر ایران را حفظ کند، بلکه بر آن نیز بیفزاید. شخصاً، هیچگاه از او تعریف از خود را در جلسات خصوصی نشنیدم؛ بلکه برعکس، در غیاب اشخاص و همکاران جوان جغرافیائی آزمان، همیشه از بخش روشن طیف کاری و شخصیتی آنها سخن می‌گفت و «غیبت داری» از محاسن برجسته او بود. جذب تخصص‌هایی در ژئومرفولوژی - خاکشناسی - زمین‌شناسی - هواشناسی و اقیانوس‌شناسی - جغرافیای سیاسی - باستان‌شناسی - کارتوگرافی - فتوگرامتری و ... به گروه و مؤسسه جغرافیا و کوشش در انتشار آثار آنان از خدمات دوران او بود. مردم داری را از ابعاد و زاویه دیگر می‌دید و ضمن تشویق به کارهای میدانی، همکاران جوان خود را به نوشتن ترغیب می‌کرد و چندین کتاب از نشریات «گزارشهای جغرافیائی» به همت و تشویق او

۱- در بسیاری از زبان‌های جهان، واژه‌ها نمی‌توانند که اگر کاربرد خود را از دست بدهند، کم کم به فراموشی سپرده می‌شوند و از این گونه واژه‌ها در زبان پارسی کهن ما که از ماندگارترین زبان‌های جهان است نیز می‌توان یافت. ذکر این نکته از آن جهت است که از واژه انگلیسی کهنه شده یاد کنم و آن «Rough diamond» یا «دِیْمَن» و الماس درشت خشن و زبر است که اکنون در فرهنگ‌های نوین انگلیسی جهان بکار برده نمی‌شود و یا کمتر ذکر می‌شود. این واژه را برای کسانی بکار می‌برند که در باطن، بسیار فرزانه و ارجمند هستند و بسا که در ظاهر تند خو و ترش روی می‌باشند. این واژه الماس درشت و گرانبها و خشن می‌تواند برازنده شادروان احمد مستوفی باشد.

بود که خود، سه کتاب از این مجموعه را به رشته تحریر در آورده که از جمله آن، حوضه مسیله (۷)، لوت زنگی احمد (۱) و کتاب قطور جغرافیای تاریخی شهداد (۸) است که با تصاویر، بالغ بر پانصد صفحه می‌شود. در این مجموعه، دیگر اساتید جغرافیای آن زمان هر کدام سهمی ادا کرده‌اند.

دیگر اخلاق خاص و جالب دکتر مستوفی این بود که در مورد کارها و تحقیقات خود و همکاران گروه و مؤسسه جغرافیا نه تنها هیچگاه اغراق نمی‌کرد، بلکه گاه آن کارها و تحقیقات را در برابر کارهای دیگران و دانشگاههای خارج وهم در برابر نیازهای تحقیقاتی کشوری بزرگ و کهن همانند ایران، اندک می‌دانست. از این ایام خاطره جالبی به یاد دارم: رئیس دانشگاه تهران تغییر کرده بود. نگارنده به ایشان توصیه نمود که هم از نظر شناختن و شناساندن مؤسسه جغرافیا و هم جلب و جذب اعتبارات مالی برای مؤسسه جغرافیا دیداری با رئیس جدید دانشگاه داشته باشد. ایشان سرانجام حاضر به این دیدار شد و روز بعد که به زیارتشان نائل شدم، از جلسه ملاقات با رئیس جدید دانشگاه برایم تعریف کرد که رئیس دانشگاه در اولین دقایق دیدار شروع به تعریف از کارهای تحقیقاتی و پژوهشی مؤسسه و گروه جغرافیا کرده و آن کارها را خدمت و افتخاری برای دانشگاهیان و دانشگاه تهران بر شمرده بودند (اشاره به پروژه تحقیقاتی دشت لوت) و ایشان (دکتر مستوفی) در پاسخ گفته بود: «این کارهایی که شما اشاره کردید، کارهای کوچکی است و ارزش نام تحقیقات رادر سطح ایران ندارد. ما کوشش می‌کنیم، ولی ادای تحقیقات رادر می‌آوریم!» طبعاً رئیس دانشگاه هم حساب به دستشان آمده بود که مستوفی اهل خوش آمد شنیدن نیست و به هر حال متعاقب این دیدار، معاون مالی و اداری دانشگاه چند مرتبه از مؤسسه جغرافیا دیدن و با دکتر مستوفی ملاقات نمود و این دیدارها در بهبود اعتبارات مالی مؤسسه بی‌تاثیر نبود.

به نقشه‌های قدیم و جدید، تصاویر و عکسهای هوایی، کتب جغرافیائی و کتابخانه اهمیت می‌داد و در گردآوری این مدارک مهم مؤسسه و گروه جغرافیا، سهم ارزنده‌ای دارد که تعدادی از آنها بسیار نادر و گرانبها هستند.

هر چند مستوفی در خانواده‌ای مرفه و بی‌نیاز رشد کرده بود و حقوق و درآمد دانشگاهی برای او مهم و درجه اول نبود؛ اما در صرف هزینه‌ها و بودجه‌هایی که در اختیار داشت، نهایت دقت و صرفه‌جویی را بکار می‌برد. از نمونه‌های حسن توجه وی به استادان جوان همکارش که خود اکنون پا به سنین بالای خدمت گذاشته‌اند، نام‌گذاری مناطق مهمی از دشت لوت به نام آنان بود که ذکر نام دکتر کردوانی در نقشه‌ها از آن جمله است.

جدائی رشته جغرافیا از رشته تاریخ، بحث جداگانه‌ای دارد که دوستان و یاران ارجمندش همانند دکتر محمد حسن گنجی از عهده شرح آن بر آمده و یا خواهند آمد. این استقلال رشته جغرافیا تدریجاً کار را به جایی رساند که در تعدادی از رشته‌های جدید جغرافیا، تخصص و گرایش ایجاد گردید و دیپلمه‌های ریاضی هم به گروه جغرافیا راه یافتند. جلسات گروه جغرافیا نیز که با دعوت کتبی و منظم مستوفی در محل دانشکده یا مؤسسه جغرافیا تشکیل می‌شد، بسیار گرم و پر بار بود. اعضاء و اساتید آن گروه، خود یکایک منشاء اثر شده و گذشته از تألیفات و آثار نوشتاری خود، در طرح‌هایی که بستر جغرافیائی در آنها نقش اول را دارد، هنوز هم فعال و کارآمد هستند که خداوند همه آنها را سلامت بدارد. بی‌مورد نخواهد بود که اگر حداقل از یک شخصیت آن گروه به عنوان نماینده همه گروه قدیم و جدید و سه‌الی چهار نسل اساتید جغرافیای ایران نام ببرم که اطمینان دارم همه این اساتید با من هم آوا هستند و آن سرکار بانو دکتر ذره میرحیدر است که اولاً نقش و اعتبار زنان را در این رشته مهم دانشگاهی تحقق بخشید و یادگارهای خوبی برجای گذاشته و هنوز هم مرجع راهنمای اساتید جوان هستند و نظرات ایشان نیز در مورد خدمات دکتر مستوفی خواندنی و شنیدنی خواهد بود. اما بدون ذکر یاد خیر دانشجویان موفق جغرافیا (و از دیدگاه اینجانب مخصوصاً رشته کارتوگرافی آن زمان) که تعدادی از آنها به درجات عالی و استادی رسیده و هنوز هم توان مسئولیت‌پذیری دارند، این یادآوری‌ها کامل نخواهد بود و اطمینان دارم که همگی، یاد مستوفی و خدمات او را ارج می‌گذارند. همانگونه که خود

مستوفی بارها و بارها خدمات سعادت، مسعود کیهان، مفخم پایان و سایر پیشینیان جغرافیا و کارهای سازمان جغرافیائی و سازمان نقشه برداری را محترم می‌داشت. هنگامی که پیکر ایشان در دانشگاه تهران تشییع می‌شد، یک صفت بارز او را با دکتر کردوانی مورد بحث قرار دادیم و آن، اینکه دکتر مستوفی اگر در همه رشته‌های وسیع جغرافیا کارشناس نبود (که امروزه امری محال است)، اما کارشناس - شناس بود. در تهیه و چاپ اطلس معروف اقلیمی و تاریخی نقش مدیریتی با کفایت را ادا کرد و اطلس‌های شیب و مقاطع که از سوی مرحوم دکتر جعفر پور و دکتر رحمت‌اله فرهودی سرپرستی شد، ادامه این کارها در حفظ اعتبار فنی مؤسسه جغرافیای دانشگاه تهران بوده است.

اما اکنون اعتبار رشته‌های وسیع جغرافیائی، هم در سطح جهان و هم در سطح ایران، دیگر چنان والا و بی‌نیاز از تمجید و تبلیغ شده است که GISها همه گیر و فراگیر شده و اساتید و کارشناسان جغرافیا کسانی هستند که دقت‌ها و همخوانی لایه‌های تخصصی این بانک‌های اطلاعاتی را پاسداری می‌کنند و مستوفی‌ها بر حسب تلاش‌های زمان خود در افتخارات امروز و فردای رشته‌های جغرافیائی از سهامداران معنوی آن بحساب می‌آیند. - با درود به روان مستوفی و سلام به همه تلاشگران جغرافیای نوین ایران -